

****

**دانشگاه تربيت معلم تهران**

**واحد حصارك**

**موضوع:**

تأثير مداخلات خانواده درماني راهبردي

بر اختلافات زناشويي

**استاد راهنما:**

**تهيه و تنظيم:**

## فهرست مطالب

### عنوان صفحه

پيشگفتار

چكيده تحقيق

#### فصل اول

1. مقدمه
2. بيان مسئله
3. ضرورت و اهميت موضوع
4. اهداف پژوهش
5. فرضيه ها
6. اصطلاحات

**فصل دوم: ادبيات تحقيق**

* خانواده سالم و رشذ و تحول آن
* خاستگاه خانواده
* تاريخچه خانواده درماني
* مذهوم خانواده درماني
* خانواده درماني راهبردي
* خانواده درماني روان تحليل گري
* خانواده درماني تجربي
* مكتب خانواده درماني ساختاري
* تحقيق در خانواده درماني

**فصل سوم**

* طرح تحقيق
* جامعة آماري
* نمونة آماري و روش نمونه گيري
* روش جمع آوري اطلاعات
* روش تجزيه و تحليل اطلاعات

**فصل چهارم**

* جدول توزيع فراواني سن روجين به تفكيك جنس
* نمودار توزيع فراواني سن زوجين به تفكيك جنس
* جدول توزيع سطح تحصيلات زوجين به تفكيك جنس
* نمودار توزيع سطح تحصيلات زوجين به تفكيك جنس
* جدول توزيع فراواني شغل زوجين به تفكيك جنس
* نمودار توزيع فراواني شغل زوجين به تفكيك جنس
* جدول توزيع فراواني مدت زندگي مشترك در دو گروه آزمايش‌و كنترل
* نمودار توريع فراواني مدت زندگي مشترك در دو گروه آزمايش و كنترل
* جدول توزيع فراواني تعداد فرزندان در دو گروه آزمايش و كنترل
* نمودار توزيع فراواني تعداد فرزندان در دو گروه آزمايش و كنترل
* ميانگين نمرات رضايت زناشويي گروه آزمايش و كنترل
* آزمون فرضيه ها

**فصل پنجم**

* بحث و نتيجه گيري
* محدوديتهاي تحقيق
* پيشنهادات
* منابع و مأخذ

**چكيده**:

پژوهش حاضر به بررسي تأثير مداخلات خانواده درماني راهبردي بر اختلافات زناشويي مي‌پردازد به اين منظور 39 زوج از زوجيني كه براي حل اختلافات زناشويي سال 82 به مركز مشاوره بهزيستي مراجعه كرده بودند، به طور تصادفي در دو گروه آزمايشي (21 زوج) و گواه ( 18 زوج) قرار گرفتند.

براي ارزيابي زوجين در اين پژوهش از مصاحبه باليني و آزمون رضايت زناشويي انريچ استفاده شد. ابتدا زوجين با آزمون رضايت زناشويي مورد ارزيابي قرار گرفتند، پس از آن برنامة مداخلات خانواده درماني راهبردي در مورد گروه آزمايش اجرا گرديد، در حاليكه گروه گواه در ليست انتظار بودند. بعد از شش هفته مجدداَ دو گروه مورد ارزيابي قرار گرفتند. به منظور تجزيه و تحليل داده ها از آزمون t و تحليل واريانس و آزمونهاي تعقيبي استفاده شد.

نتايج بدست آمده نشان مي‌دهد كه مداخلات خانواده درماني راهبردي نه تنها منجر به افزايش رضايت زناشويي در بين گروه آزمايش شده، بلكه تعارضات بين فردي آنان را نيز كاهش داده است، اين مداخلات در زنان موثر بوده است همچنين نتايج پژوهش حاكي از اين بودند كه اين مداخلات روي مشكلات ارتباطي نسبت به ساير مؤلفه هاي سبب شناسي اختلاف تأثير بيشتري دارد.

##

#### فصل اول

* **مقدمه**
* **بيان مسئله**
* **ضرورت و اهميت موضوع**
* **اهداف پژوهش**
* **فرضيه ها**
* **اصطلاحات**

##### **مقدمه**

خانواده به عنوان يك واحد به ظاهر كوچك اجتماعي، از اركان عمده نهادهاي اصلي هر جامعه به شمار مي رود. در واقع هر خانواده را بايد خشت بناي جامعه و كانون اصلي حفظ سنت و رسوم از ارزشهاي والا و مورد احترام و شالودة مستحكم مناسبات پايدار اجتماعي در روابط خويشاوندي، مبدأ بروز و ظهور عواطف انساني و كانون صميمانه ترين روابط ميان افراد و پرورش فكر و انديشه و اخلاق و پرورش فكر و انديشه و اخلاق و تعالي روح انساني به شمار آورد. خانواده به عنوان واحد عاطفي – اجتماعي كانون رشد و تكامل، التيام بخش، تحول و تغيير، آسيبها و عوارضي است كه هم بستر شكوفايي و هم فرونشاني آن روابط ميان اعضايش مي باشد. در نتيجه تأثير بسزايي در تعادل رواني، عاطفي و اجتماعي داشته و به عنوان كوچكترين كانون اجتماعي شدن متضمن پذيرش نقشهاي اجتماعي و همنوايي با هنجارهاي اجتماعي مي‌باشد. همچنين خانواده نهاد و شالودة اساسي در ساختار اجتماعي جوامع است كه سلامت يا عدم سلامت آن قوام و اضمحلال جامعه را در بردارد.

 خانواده سالم، نظامي باز است كه اعضاي آن در عين حالي كه از روابط

عاطفي گرمي با هم برخوردارند، هويت فردي خود را حفظ مي‌كنند. در اين گونه خانواده، عشق به طور نامشروط مي باشد و اعضاء پذيراي يكديگر هستند. آستانه تحمل خانواده در برابر كشمكش و استرس بالاست و به هنگام نياز، داوطلبانه درصدد ياري و خواهان آن مي‌باشند. در اين خانواده ها ائتلاف قوي و روشني بين والدين وجود دارد و اين قدرت بين والدين تقسيم مي شود اعضاء خانواده با هم نزديك و صميمي هستند. با اين حال حريم شخصي افراد حفظ مي‌شود و استقلال و فرديت اشخاص مورد احترام است.

در مقابل خانواده مختل خانواده اي است كه قادر به تأمين نيازهاي تكاملي اعضاء، حل مشكلات و تعارضات خود نيست. كاركرد او مختل است. مرزهاي بين اعضاء نامشخص است، اعضاء استقلال رأي ندارند لذا حمايت و همكاري رخ نمي‌دهد. نظام خانواده بستر و اعضاي آن به لحاظ عاطفي سرد، جدا از هم و گسسته مي‌باشند.

تمدن جديد كه در پرتو تلاشهاي بشري و دستاوردهاي علوم تجربي حاصل شد چهره انساني را تغيير داد. دستاوردهاي مدني و صنعتي و همچنين رنجهايي كه غالباَ آنها از مدنيت جديد و مدرنيسم نشأت مي‌گيرد، هر روزه بر شمار بيماريهاي رواني و نابهنجاريهاي رفتاري افزوده مي‌شود و متأسفانه در همين مسير قويترين پيوند هاي انساني را در مستحكم ترين قرارگاه آن يعني نظام ريشه دار خانواده در معرض تهديدي جدي قرار مي‌دهد. روز به روز كارائي خانواده در تحقق و ظايفش كم رنگتر مي‌شودو اين سلامت جامعه را تهديد مي‌كندزيرا اختلا ل در كارائي خانواده مشكلاتي را در منظومه خانواده ايجاد مي‌كند و در صورت تشديد مشكلات خانواده را به سمت فرو پاشي سوق مي‌دهد طلاق و فرو پاشي خانواده ضمن بر هم زدن تعادل رواني –عاطفي افراد خانواده و جامعه منجر به بروز بسياري از آسيب‌هاي اجتماعي مي‌شود.

اختلافات زناشويي از اهميت ويژه اي برخوردار مي‌باشد. به همين دليل پژوهش بنا دارد با نوعي رويكرد خانواده درماني با عنوان راهبردي به مداخله در زمينه اختلافات زناشويي پرداخته، به نحوي در رفعاين مشكل خانمان بر‌اندار نقش داشته باشد.

* 1. **بيان مسئله**

بر صاحب نظران علمو انساني و افرادي كه به كار تخصصي با خانواده مشغول ميباشند پوشيده نيست كه خانواده ايراني به ويژه خانواده هاي شهرنشين با بحرانهاي زيادي روبرو هستند اين بحرانها از سويي بازتاب دگرگوني عظيم ساختاري- عملكردي در ساخت خانواده است و از سوي ديگرعدم توانايي در برخورد علمي در تدوين راهبردهاي عملي و ارائه راه حل هاي مناسب را به نمايش مي‌گذارد چشم بر تافتن از اين بحرانها و پناه بردن به مكانيسم هاي كتمان سازي در ترويج آنها ابتدا ساده ترين اما در عين حال زيان بارترين رويكردي است كه مي توان به پيش گرفت زيرا حاصل جز انباشت بحران نهايتاَ غير قابل كنترل شدن آنها را در بر خواهد داشت.

البته در همين جا بايد اشاره كرد كه بحران در خانواده و ترديد در كارآيي پاروايي از عمكردها، وظايف و نقش آفرني ها به مقوله‌اي جهاني تبديل گشته و منحصر به جامعه خاصي نمي‌باشد با اين حال شتاب دگرگوني و عوامل بحران زاي اجتماعي در جوامع مختلف تابع متغيرهايي است كه ماهيت بومي – فرهنگي به خود گرفته‌اند.

بزرگترين تحول ساختاري در خانواده ايراني در چند دهة اخير تبديل خانواده گسترده به خانواده هسته‌اي شهر نشين بوده است اين تغييرات بنيادين تأثيرات خود را در همة زمينه ها ي ممكن نظير نحوه ارتباط خانواده با يكديگر اهميت عاطفي اعضاي خانواده براي هم معني و مفهوم مقوله خانواده عملكرد اقتصادي خانواده و نيز نقش جنسيت ها بر جاي گذارده است. در دوران گذشته تشكيل يك خانواده نو بنياد حلقه اي از دايره ارتباطاتي فرا گير يعني خانواده گسترده بشمار مي‌رفت و خانواده هسته‌اي در اصل به عنوان جزئي از يك نظام كلي محسوب ميء‌شود در سايه آن زيست مي‌كرد. محور اصلي زندگي بر پايه روابط والدين- فرزندان استوار شده بود و زوجين قطب عاطفي اصلي يكديگر نبودند اما خانواده هسته‌اي امروزين بر محور رابطه زوجي استوار گرديد و كانون اصل ارتباطات اعضاي آن محسوب مي‌گردد به بيان روشنتر اگر خانواده در گذشته از برخي مكانيسم‌هاي جمعي غلبه بر بحران و يا از ذخاير عاطفي – تجربي اطرافيان سود مي‌جست امروز اين خود خانواده هسته‌اي و قبل از هم زوجين هستند كه بايد راهكارهاي غلبه بر بحران را در فرآيند تعامل و ارائه پيشنهادهاي مشخص عملي بيابند اما تحقق اين امر با موانع جدي روبرو ست. زيرا افراد از ابزار و مهارتهاي ارتباطي كا في برخوردار نبوده و نتيجتاَ مكانيسم‌هاي افكار در خانواده غالب مي‌گردند كه پيامد‌هاي مخرب دراز مدتي نظير از خود بيگانگي، سرخوردگي، تخريب متقابل بر جاي خواهند گذاشت. در بعد عاطفي بايد متذكر شدكه اعضاي خانواده‌هاي نوبنياد امروز نسبت به گذشته در برآورده كردن نيازهاي عاطفي يكديگر نسبت به هم وابستگي بيشتري دارند زيرا محدود شدن دايره زيست خانواده امكان ارضاي جانشيني نيازهاي عاطقي را از اعضاي آن صلب كرده است.

بالاخره خانواده امروز به كانون هدف دسته جمعي اعضاء تبديل گرديده كه بايد پاسخگوي نيازهاي اقتصادي خود باشد همچنين حضور پيش از پيش زنان كشور در عرصه هاي علمي و حرفه اي نقشهاي سنتي و مأنوس درباره جنس را شديداَ دستخوش تحول كرده است اين وضعيت جديد، ذهنيت تازه و قواعد رفتار فردي – اجتماعي فراخور خود را مي‌طلبذ. افراد بر الگوهاي رفتاري كليشه‌اي و عدم تجديد نظر جدي در اين زمينه مانع دستيابي به مكانيسم پويا متعادل و پايدار است و نهايتاَ ارمغاني جز تشديد تنشهاي خانوادگي و اجتماعي به همراه نخواهد داشت.

بنابراين ايجاد و استحكام فرهنگ تبادل نظر و گفتمان و نيز تدوين راهبردهاي عملي در راستاي يافتن راه حلهاي مشخص و ممكن در شرايط بحراني مهمترين چالش در زندگي خانوادگي به شمار مي‌رود. بدين لحاظ شناخت مسائل و مشكلات زوجين كه در زندگي مشترك دچار بحران شده‌اند و يا در آستانه طلاق قرار گرفته اند از اهميت ويژه اي برخوردار است و گام بعدي در ارائه راهكارهاي درماني با استفاده از شيوه هاي خانواده درماني است كه مي تواند زمينه‌هاي سازش و حفظ و انسجام خانواده را فراهم آورد.

هدف از درمان راهبردي تسهيل حل مشكل و انجام آن با كارآمد ترين و اخلاقي‌ترين شيوه ممكن مي باشد با شرايط اغلب تمركز اصلي روي حل تعاملات مشكل‌زاست.

بنابراين در اين پژوهش مي خواهيم بدانيم كه آيا خانواده در ماني راهبردي مي تواند در تغيير اختلافات زناشويي مؤثر واقع شود؟ و آيا اين تأثير نسبت به مولفه‌هاي سبب شناسي متفاوت است يعني با توجه به مشكلات في ما بين زوجين، آيا اين درمان در بعضي مشكلات موثرتر است يا خير؟

و آيا خانواده درماني راهبردي در تعارض بين فردي زوجين مي‌تواند نقش ايفا كند و موجب تقليل تعارضات بين فردي گردد؟

سوال آخر اين كه با توجه به تفاوتهاي فردي زن و مرد، آيا اين نوع مداخلات در دو جنس تأثير يكساني دارد يا اين نوع مداخلات در يكي از زوجين موثر است؟

* 1. **ضرورت و اهميت موضوع**

طلاق خواه به عنوان يكي از علل يا معلول نانهنجاريهاي اجتماعي به نوبه خود معلول تعاملهاي نامناسب بين زوجهاست بروز طلاق يك شكل جهاني محسوب مي‌شود و در فرهنگ اسلامي يكي از مبقوض ترين ملالها به شمار مي‌رود.پيامد‌هاي سود طلاق بر پيكر اجتماع و پديد آيي نابساماني متعاقب آن براي زن و شوهر و فرزندان و نيز كساني كه به نوعي با آنان مرتبط مي‌باشند در ابعاد مختلف رواني ، اقتصادي و اجتماعي حائز اهميت است و ضرورت و اهميت خاص بررسي عوامل زمينه ساز پديده طلاق و ارائه راهبردهايي براي مداخله در اين امررا نمايان مي‌سازد.

پديده طلاق يك پديده چند جانبه و داراي علل متعدد مي‌باشد يعني داراي ابعاد درون فردي و بين فردي و علل روانشناختي اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي و…..مي‌باشد.

از طرف ديگر عوارض جانبي طلاق براي كودكان و نوجوانان بسيار شديد بوده بطوريكه تطابق و سازگاري آنان با اين عوارض تا پنج سال طول مي‌كشد و در يك سوم موارد به يك ضربه روحي دير پا مي انجامد به طور كلي تفاهم خانوادگي زمينه ساز رفتار بهنجار كودك و آشفتگي و فروپاشي

خانواده علل بزهكاري رفتار ضد اجتماعي و جامعه ستيزي كودكان مي‌باشد.

طلاق و فروپاشي خانواده ضمن برهم زدن تعادل رواني ، عاطفي افراد و جامعه منجر به بروز بسياري از آسيب‌هاي اجتماعي مانند فحشاء، انحراف اجتماعي، انحرافات جنسي ، خودكشي، فرار از منزل، سرقت ، اعتياد، تكدي، ولگردي، خيابان گردي، و…مي‌گردد. باتوجه به آسيب‌هاي اجتماعي پيامدهاي طلاق و آثار سوئي كه طلاق براي سلامت رواني ،عاطفي افراد خانواده خصوصاَ كودكان دارد بايد تدابير لازم براي حفظ و انسجام خانواده بكار رود از مجموعه تدابير علمي و تخصصي براي كاهش آن استفاده نمود.

از آنجايي كه زوجهاي درمانده و تحت فشار مشكلاتي را در حيطه ارتباطهاي خود تجربه مي‌كنند و ارزيابيها و واكنشهاي نامناسب خود با عوامل تنش‌زا در ارتباط هستند بدنه بسياري از مشكلات خانوادگي و زناشويي بدفهمي ناشي از ارتباط غير موثر است لذا ارائه راهكار‌هاي درماني براي ايجاد زمينه‌هاي تفاهم را مي‌توان بعنوان فعاليتي ضروري براي پيشگيري از فروپاشي خانواده‌ها شناسايي عوامل موثر بر كارآئي خانواده و سهم عوامل متعدد در وقوع طلاق و تدوين برنامه‌هايي براي پيشگيري از ا فزايش طلاق ضروري است.

* 1. **اهداف پژوهش.**

هدف اصلي اين پژوهش بررسي تأثير روش خانواده درماني راهبردي بر كاهش اختلافات زناشويي است و اهداف فرعي اين پژوهش در گستره نظري و كاربردي مطرح مي‌گردد.

گستره نظري

* شناسايي موءلفه‌هاي سبب شناسي اختلاف.
* شناخت ميزان رضايت زوجين از زندگي زناشوئي
* شناخت ميزان تعارضات بين فردي در زوجين داراي مشكل.
* گسترة كار بردي.

ارائه و اجراي راهكارهاي مداخله اي موثر در حل مشكلات و ايجاد تفاهم و نهايتاَ نظم وانسجام خانواده.

**4-1 فرضيه ها**

خانواده درماني راهبردي منجر به كاهش اختلافات زناشوئي مي‌شود.

خانواده درماني راهبردي باعث كاهش تعارضات بين فردي مي‌شود.

خانواده درماني راهبردي در زنان تأثير بيشتري دارد.

اصطلاحات:

خانواده: واحد اساسي جامعه شامل دو نسل كه باازدواج، خون، فرزند خواندگي به هم پيوسته‌اند و از نظر عاطفي به يكديگر متكي هستند و عهده دار مسئوليت رشد، ثبات و حفظ خود هستند.

تعارض: تعارض در زوجين يك عملكرد طبيعي اختلاف است تعرض مي تواند نتيجه تنش حاصله از نيروي خارجي به زوجين باشد.

طلاق: در لغت به معني رها شدن از عقد نكاح و فسخ كردن عقد بوده و پديده‌اي است قراردادي كه به زن و مرد امكان مي‌دهد تا تحت شرايطي پيوند زناشوئي خود را گسيخته و از يكديگر جدا شوند.

خانواده در ماني: شكلي از درمان كل خانواده به عنوان يك گروه كه توسط يك يا دو درمانگر انجام مي‌شود.

خانواده درماني راهبردي: اين روش از تئوري ارتباطات و ملاحظات عمدي نشأت گرفته شده است، درمانگر مسئوليت تربيت يك استراتژي براي حل مشكل فعل را به عهده دارد. ملاحظات مشوق فرايند تعامل است. درمانگر راهبردي مشكل فعل را به صورتي قابل حل تعريف مي كند. اهداف كاهش مشكل خاص را به روشني تبيين مي كند درمان به طور دقيق طرح ريزي مي‌شود. درمانگر براي تغيير شكل تنها روي جنبه‌هايي كه باعث لقاء آن رفتار مشكل يا علامتي در نظام خانواده مي شود تأكيد دارد.

رضايت زناشويي: رضايت زناشويي در واقع نگرش مثبت و لذت بخشي است كه زن و شوهر از جنبه هاي مختلف روابط زناشويي دارند و دراين پژوهش ميزان رضايت زناشويي زوجين نمره‌اي است كه از آزمون رضايت زناشويي انريچ مي‌گيرند.